

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی
 سال ۱۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره ۲۶
 مقاله علمی پژوهشی
 صفحات: ۴۹-۸۰

منبع‌شناسی و اعتبارسنجی مناظرات امام رضا علیه السلام در آثار شیخ صدوق

اسماعیل اثباتی *

چکیده

شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) از محدثان نام‌آشنای شیعه است؛ او برخی از اخبار و روایات مربوط به امام رضا علیه السلام را در کتاب *گران سنگ عیون اخبار الرضا علیه السلام* گرد آورده است. بخشی از این روایات، گزارش‌های مربوط به مناظرات امام رضا علیه السلام است. در این نوشتار، با بررسی سند این روایات و با کمک کتاب‌های فهرست و رجال تلاش شده منابع مورد استفاده او شناسایی شوند. برخی از این منابع کتاب‌هایی دربارهٔ مجالس مناظرهٔ امام مانند کتاب *مجالس الرضا مع اهل الادیان* اثر حسن (یا حسین) بن محمد نوفلی هاشمی و کتاب *الفرق بین الامة و الال* اثر ریان بن صلت قمی بوده است. برخی دیگر نیز دربارهٔ امام رضا علیه السلام تألیف شده و مشتمل بر مناظرات ایشان نیز بوده است. کتاب *وفاء الرضای* اباصلت هروی را باید از این دست دانست. کتاب‌های احمد بن علی انصاری، حمدان بن سلیمان نیشابوری، صفوان بن یحیی بیاع سابری، محمد بن یحیی صولی، صالح بن ابی حماد کوفی و علی بن ابراهیم قمی از دیگر منابع شیخ صدوق در نقل مناظرات رضوی است. سند تعدادی از مناظرات روایت‌شده با شیوهٔ اعتبارسنجی متأخران ضعیف شمرده می‌شود، اما از نگاه علمای متقدم معتبر تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مناظرات امام رضا علیه السلام، شیخ صدوق، منبع‌شناسی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. esbati@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۳

۱. مقدمه

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (د. ۳۸۱ق) چهره برجسته فقه و حدیث شیعه در دوره خود بود. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۸۹) شیخ صدوق علاوه بر جمع و نقل روایات و تدوین کتاب‌های روایی، در زمینه مناظره با مخالفان نیز فعال بود؛ گزارش بعضی از این مناظرات به وسیله ایشان مکتوب شده است. (همان، ص ۳۹۲) او آثاری درباره امام رضا علیه السلام داشته که از حوادث روزگار ایمن نمانده و به دست ما نرسیده است؛ از جمله جامع زیارة الرضا علیه السلام، المصباح الحادی عشر ذکر من روی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام. (یک فصل از کتاب المصباح) و زهد الرضا علیه السلام. (یک فصل از کتاب الزهد). (همان، ص ۳۹۰ و ۳۹۱)

هنگامی که شیخ صدوق قصد مسافرت و زیارت امام رضا علیه السلام را داشت، دو قصیده از طرف صاحب بن عباد دریافت کرد که به رسم ادب و به عنوان پیشکش به محضر امام رضا علیه السلام سروده بود. شیخ صدوق که می‌دانست نزد صاحب بن عباد علمی بالارزش‌تر از علوم اهل بیت علیهم السلام نیست و از ارادت و محبت او به ایشان باخبر بود، کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را برای اهدا به کتابخانه بزرگ او تصنیف کرد و در ابتدای آن، هر دو قصیده را قرار داد. شیخ صدوق این کتاب را در ۶۹ باب سامان داد و اخبار، رویدادها و احادیث مربوط به امام رضا علیه السلام را گردآوری کرد.

۲. مناظرات امام رضا علیه السلام

مجلس مناظرات امام رضا علیه السلام با مخالفین که عمدتاً در حضور مأمون تشکیل می‌شد، از همان ابتدا مورد توجه شیعیان و دوستداران ایشان قرار گرفت و به نقل ماجرای این مجالس در کتاب‌های خود پرداختند. برخی نیز تألیفات جداگانه‌ای را به این امر اختصاص دادند؛ از جمله حسن (یا حسین) بن محمد نوفلی کتابی با عنوان مجالس الرضا مع اهل الادیان (همان، ص ۳۷ و ۵۷) و عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری کتاب مناظرات علی بن موسی الرضا علیه السلام. (همان، ص ۲۴۴) را تصنیف کردند.

شیخ صدوق تعدادی از مجالس بحث، مناظره و سؤالات مخالفین از امام رضا علیه السلام را در کتاب‌هایش ذکر کرده است. این روایات بیش از همه در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام جمع شده است. شیخ صدوق با تدوین این کتاب، بخش مهمی از میراث

حدیثی امام رضا علیه السلام را به نسل‌های پس از خود منتقل کرد. برخی از این روایات تنها از طریق آثار شیخ صدوق و کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام* به دست ما رسیده است.

مناظرات امام رضا علیه السلام از دیرباز موضوع پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی بسیاری بوده و از زوایای مختلف به آن نگریسته شده، اما بحث بر سر یافتن منابع اصلی این مناظرات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، آقای حسن انصاری پژوهشی درباره کتاب *ذکر مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الادیان* اثر نوفلی را در بخش بررسی‌های تاریخی سایت کاتبان منتشر کرده است. (نوشته مربوط به جمعه ۱۴ دی ۱۳۸۶)

۳. اهمیت آشنایی با منابع شیخ صدوق در نقل مناظرات

شیخ صدوق در مقدمه کتابش، اشاره‌ای به منابع مورد استفاده نکرده است، اما با استفاده از بررسی سندی روایات و مقایسه اسامی راویان با داده‌های فهرست‌نگاران درباره آن افراد، می‌توان تا حدودی با منابع مورد استفاده او آشنا شد. این مهم علاوه بر آنکه به آشنایی بیشتر ما با گنجینه‌های مفقود میراث حدیثی می‌انجامد، راه را برای جمع‌آوری بازمانده‌های آن کتاب‌ها و احیای دوباره آن آثار می‌گشاید. گذشته از آن، با بررسی میزان اعتبار منبع مورد استفاده می‌توان به اعتبارسنجی روایات موجود بر اساس شیوه قدام پرداخت؛ چه اینکه قدام روایاتی را که در منابع مورد اعتماد بود، به دیده اعتبار نگریسته و به ذکر آن‌ها می‌پرداختند؛ هرچند گاهی راه دسترسی به آن آثار و افرادی که به‌عنوان طریق به آن آثار در سند کتاب قرار می‌گرفتند، اعتبار لازم را نداشتند. هرگاه محدثی از طرق گوناگون مطمئن می‌شد که کتابی که در اختیار اوست متعلق به نویسنده است، به نقل روایات آن می‌پرداخت؛ هرچند در سند خود به آن کتاب، راویان کم‌اعتبار را نیز می‌یافت؛ برای نمونه، وقتی کتابی مشهور شده و نسخه‌های متعددی از آن موجود بود و بین نسخه‌ها اختلافی نبود، انتساب کتاب به مؤلف ثابت شده بود، اما برای پرهیز از مرسل شدن روایت، مؤلف سند خود را به نسخه تا راوی اول روایت می‌کرد؛ سندی که گاه در آن افراد ناشناخته یا ضعیف هم به چشم می‌خوردند. حال اگر با معیار متأخرین به داوری درباره این روایت بنشینیم، ناگزیر چنین روایتی را باید در زمره روایات ضعیف قرار دهیم، حال آنکه با معیار متقدمان، این روایت معتبر است. (درباره تفاوت شیوه متقدمان و متأخران در اعتبارسنجی روایت نک: شیخ بهایی،

۱۴۱۴ق، ص ۲۴-۳۰) این نکته خود اهمیت آشنایی با منابع مورد استفاده متقدمان را آشکار می‌کند؛ از این روست که به تازگی، تلاش‌های ارزنده‌ای برای شناسایی منابع مورد استفاده متقدمان شکل گرفته است.

۴. منابع مناظرات امام رضا علیه السلام

این نوشتار با محوریت مناظرات امام رضا علیه السلام در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام* می‌کوشد منابع مورد استفاده شیخ صدوق را شناسایی کند. به این منظور، تعدادی از مناظرات استخراج و تلاش شده است با بررسی سندی آن‌ها منابع احتمالی شیخ صدوق شناسایی شود.

۴-۱. مناظره امام رضا علیه السلام با متکلمان فرقه‌های مختلف درباره امامت در حضور

مأمون

شیخ صدوق فصل ۴۶ کتاب خود را به این صورت نام‌گذاری کرده است: «باب ما جاء عن الرضا علیه السلام فی وجه دلائل الأئمة علیهم السلام والرد علی الغلاة والمفوضة لعنهم الله». اولین روایت این باب گزارش یکی از مجالس امام رضا علیه السلام در حضور مأمون است که متکلمان فرقه‌های مختلف نیز حضور داشتند و درباره امامت از امام رضا علیه السلام سؤالاتی پرسیدند. شیخ صدوق این روایت را با سند زیر گزارش می‌کند:

۴-۱-۱. سند روایت

«حدثنا تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی رضی الله عنه قال: حدثنی أبی قال: حدثنا أحمد بن علی الأنصاری عن الحسن بن الجهم قال: حضرت مجلس المأمون یوما وعنده علی بن موسی الرضا علیه السلام وقد اجتمع الفقهاء وأهل الکلام من الفرق المختلفة فسأله بعضهم فقال له: یا بن رسول الله بأی شیء تصح الامامة لمدعیها؟...» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۲۱)

۴-۱-۲. بررسی راویان سند

- ابوالفضل تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی حمیری که صدوق از او روایت و وی را با عبارت «رضی الله عنه» دعا می‌کند، از نظر ابن غضائری فردی ضعیف است. (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۴۵) پدرش عبدالله بن تمیم در منابع رجالی معرفی نشده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۹۵)

- ابوعلی احمد بن علی انصاری از سوی رجالیان شیعه معرفی نشده است. (همان، ج ۱، ص ۳۷۱) روایات او در کتاب‌های شیخ صدوق آمده است. او از اباصلت (صدوق، بی تا [الف]، ص ۳۲۰، ۳۴۱، ۳۵۳ و ۳۶۲؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵، ۱۲۳، ۱۳۱، ۲۴۹ و ج ۲، ص ۵۶، ۹۲، ۱۴۷، ۲۱۹، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۹۱؛ همو، ۱۳۶۲ [الف]، ص ۶۵۲)، پدرش از اباصلت (صدوق، ۱۳۶۲ [ب]، ص ۲۶۷)، احمد بن محمد برقی (همو، ۱۳۶۲ [ب]، ص ۲۶۸)، رجاء بن ابی ضحاک (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۴)، اسحاق بن حماد (همان، ج ۲، ص ۱۹۹)، علی بن میثم (دربارهٔ نجمه مادر امام رضا (ع) همان، ج ۱، ص ۲۶؛ در ص ۲۹، با واسطهٔ پدرش روایت نقل شده است)، سلیمان بن جعفر بصری (همان، ج ۱، ص ۹۴)، زید بن عمیر بن معاویه شامی (همان، ج ۱، ص ۱۱۴ با توجه به شرح اصول کافی ملاصالح مازندرانی، ج ۵، ص ۳۳ نام راوی اصلاح شد) و علی بن محمد بن جهم (همان، ج ۱، ص ۲۴۵) روایت کرده است. او همچنین شعر ابن المشیع مدنی در رثای امام رضا (ع) را نقل کرده است. (همان، ج ۲، ص ۲۸۰)

در منابع اهل سنت، فردی با این نام معرفی شده که او را از نسل انس بن مالک دانسته‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۵۱۶) او از احمد بن حنبل روایت کرده و تضعیف شده است. او در سال ۳۱۸ از دنیا رفت. (ذهبی، ۱۹۶۳م، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن حجر، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۲۲۳؛ ابن المبرد، ۱۹۹۲م، ص ۱۱) با توجه به اینکه احمد بن حنبل در سال ۲۴۱ از دنیا رفته است، دربارهٔ تاریخ وفات وی باید تردید کرد.

- حسن بن جهم بن بکیر بن اعین شیبانی فردی مورد اعتماد و از راویان امام کاظم و امام رضا (ع) است. او کتابی دارد که از چند طریق روایت شده است و نسخه‌هایش کمی با هم اختلاف دارند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰) شیخ طوسی او را صاحب کتاب مسائل می‌داند. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۷) شیخ صدوق روایاتی از حسن بن جهم از امام رضا (ع) نقل می‌کند؛ از جمله روایتی دربارهٔ شهادت امام رضا (ع) به وسیلهٔ مأمون که امام از حسن بن جهم می‌خواهند که این مطلب را تا قبل از شهادت ایشان به کسی نگویند. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۱۸) علی بن اسباط (همان، ج ۱، ص ۲۷۸) احمد بن علی انصاری (همان، ج ۱، ص ۱۵ و ج ۲، ص ۲۱۶) و دیگران (همان، ج ۲، ص ۵۴، ۱۵۸ و ۲۶۰) روایت‌های حسن بن جهم را نقل می‌کنند.

۳-۱-۴. منبع روایت

با توجه به اینکه سند تمیم بن عبدالله بن تمیم از پدرش از احمد بن علی انصاری یکی از سندهای پرتکرار روایات *عیون اخبار الرضا* است (همان، ج ۱، ص ۱۵، ۲۶، ۹۴، ۱۲۳، ۲۴۴ و ج ۲، ص ۲۵، ۵۶، ۹۲، ۱۴۷، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۸۰، ۲۹۱)، احتمال اینکه این سند، در حقیقت طریق شیخ صدوق به یک کتاب باشد تقویت می‌شود؛ یعنی احتمالاً شیخ صدوق این روایات را از کتابی ناشناخته از احمد بن علی انصاری روایت می‌کند. اما وی نیز مطالب کتابش را از کتاب‌ها و افراد دیگری نقل می‌کند. با توجه به روایان سند مذکور، اگر بپذیریم که منظور از احمد بن علی انصاری همان فردی است که اهل سنت معرفی کرده‌اند، با توجه به اینکه وی در سال ۳۱۸ از دنیا رفته است، نمی‌توانسته به‌طور مستقیم از حسن بن جهم روایت کند. چون حسن بن جهم جزء روایان از امام کاظم و امام رضا *علیهما السلام* است و در سال شهادت امام کاظم *علیه السلام* (۱۸۳ق) باید دست‌کم بیست سال داشته باشد؛ یعنی تولد حسن بن جهم حداکثر مربوط به سال‌های ۱۶۰ تا ۱۷۰ است که به احتمال بسیار، حداکثر تا حوالی سال‌های ۲۲۰ تا ۲۴۰ می‌زیسته است؛ بنابراین وی برای نقل از حسن بن جهم احتمالاً باید از کتاب او استفاده کرده باشد.

از آنجا که احمد بن علی انصاری بسیاری از روایاتش را از اباضت نقل می‌کند، این احتمال که بخشی از این مطالب از کتاب‌های اباضت باشد، وجود دارد. (همان، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۲۴۹؛ ج ۲، ص ۲۵، ۵۶، ۹۲، ۱۴۷، ۱۹۴، ۲۱۹، ۲۶۰، ۲۶۵ و ۲۹۱) از جمله اینکه تمیم بن عبدالله از پدرش از احمد بن علی انصاری از اباضت درباره علت قتل امام *علیه السلام* سؤال کرد و اباضت تحلیل خود را از علت قتل امام بیان کرد. (همان، ج ۱، ص ۲۶۵) این روایت هرچند در ظاهر به صورت شفاهی از اباضت دریافت شده است، احتمال استفاده از کتاب *وفاء الرضای اباضت هروی کاملاً متفی نیست*. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۵)

احمد بن علی انصاری هرچند در میان رجالیان شیعه ناشناخته است، روایت‌های او در آثار شیخ صدوق به وفور یافت می‌شود. ناشناخته بودن او شاید بدین سبب است که شیخ صدوق در مناطق شرقی جهان اسلام مسافرت‌های مختلفی به نقاط دوردست داشته

و از اساتید و راویانی استفاده کرده است که برای رجالیانی مانند شیخ طوسی و نجاشی که در عراق می‌زیسته‌اند، چندان شناخته‌شده نبوده است؛ هرچند آنان نیز از منابع متعدد مانند رجال کشی استفاده کرده‌اند اما چنان‌که می‌بینیم نام بسیاری از مشایخ صدوق و راویان موجود در اسناد ایشان در کتاب‌هایشان ذکر نشده است. برخی روایت‌های احمد بن علی انصاری در شهر نیشابور گزارش شده است. (صدوق، ۱۳۶۲ [ب]، ص ۲۶۷)

۴-۱-۴. اعتبارسنجی منبع

بر اساس آنچه گذشت، احمد بن علی انصاری و کتاب او از سوی رجالیان شیعه شناسایی نشده است؛ افزون بر آن تمیم بن عبدالله و پدرش که در سند این کتاب قرار دارند، از نظر رجالی معتبر تلقی نشده‌اند. اما به نظر می‌رسد شیخ صدوق به این سند اعتماد و روایات متعددی را از این طریق گزارش کرده و افزون بر آن درباره تمیم بن عبدالله که استاد بی‌واسطه‌اش بوده، عبارت «رضی الله عنه» را به کار برده است. بر این اساس، این منبع نزد شیخ صدوق از اعتبار کافی برخوردار بوده است.

۴-۲. مناظره امام رضا (ع) با مأمون و نقد روایات اهل سنت درباره ستاره

زهره و سهیل

مأمون از امام رضا (ع) درباره روایات مردم درباره ستاره سهیل و زهره سؤال کرد و اینکه روایت شده ستاره زهره ابتدا زنی بدکاره بود و ستاره سهیل فردی غارتگر و دزدی گردنه‌گیر. امام (ع) این باورها را رد و بیان کردند خداوند دشمنانش را به صورت دو ستاره درخشان که عمری به درازای عمر عالم داشته باشند، مسخ نمی‌کند. (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۴؛ درباره روایات اهل سنت درباره ستاره زهره نک: ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۴؛ بیهقی، بی تا، ج ۱۰، ص ۵)

۴-۲-۱. سند روایت

حدثنا تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی رضی الله عنه قال: حدثني أبي عن احمد بن علي الانصاري عن علي بن محمد بن الجهم قال: سمعت المأمون يسأل الرضا علي بن موسى عليهما السلام عما يرويه الناس من امر الزهره و

۴-۲-۲. منبع

این روایت با سند روایت قبلی و احتمالاً از همان منبع پیشین نقل شده است.

۳-۴. پرسش‌های مأمون درباره عصمت انبیا علیهم‌السلام

در این مناظره، مأمون آیاتی از قرآن را که در ظاهر منافی با عصمت پیامبران است، بر امام خوانده و از ایشان می‌خواهد درباره معنای این آیات و سازگاری آن‌ها با عصمت توضیح دهند. امام به یکایک پرسش‌ها پاسخ می‌دهند. در نهایت، مأمون برای نماز به پا خاست و از محمد بن جعفر بن محمد علیه‌السلام پرسید پسر برادرت را چگونه دیدی؟ او گفت عالم است، اما ندیدیم که به محضر درس کسی رفته باشد. مأمون گفت: برادرزاده‌ات از اهل بیت پیامبر است که پیامبر درباره آن‌ها فرمود: «الا أن أبرار عترتی وأطایب أرومتی احلم الناس صغارا واعلم الناس كبارا فلا تعلموهم فإنهم اعلم منکم لا یخرجونکم من باب هدی ولا یدخلونکم فی باب ضلالة. علی بن محمد بن جهم.» گوید فردا نزد امام رفته‌ام و آنچه را بین مأمون و محمد بن جعفر بن محمد علیه‌السلام گذشته بود به ایشان گفتم. ایشان خندیدند. سپس فرمودند: «یا ابن الجهم لا یغرنک ما سمعته منه فإنه سیغتلنی والله تعالی یتقم لی منه.» (همان، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۸۴)

۱-۳-۴. سند روایت

حدثنا تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی رضی الله عنه قال: حدثنی اَبی عن حمدان بن سلیمان النیسابوری عن علی بن محمد بن الجهم قال: حضرت مجلس المأمون وعنده الرضا علی بن موسی علیهما السلام فقال له المأمون.

۲-۳-۴. بررسی سند روایت

- تمیم بن عبدالله و پدرش پیش‌تر معرفی شدند.

- ابو سعید حمدان بن سلیمان نیشابوری فردی مورد اعتماد و از چهره‌های سرشناس شیعه است. علی بن محمد بن سعد قزوینی از او روایت می‌کند. همچنین فضل بن شاذان از طریق احمد بن محمد بن یحیی از پدرش از حمدان کتابش را روایت کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۸؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۸) شیخ طوسی چندین بار در کتاب رجالش نام او را در زمره اصحاب امام رضا، امام هادی، امام حسن عسکری علیه‌السلام و «باب من لم یرو عن احد من الائمة» ذکر کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۶، ۳۸۶، ۳۹۸ و ۴۲۶)

- علی بن محمد بن جهم: در منابع رجال شیعه و اهل سنت ناشناخته است.

(نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۴۲)

۳-۳-۴. منبع

منبع احتمالی شیخ صدوق، کتاب حمدان بن سلیمان است که فردی مورد اعتبار است و شیخ صدوق از طریق تمیم بن عبدالله و پدرش، این کتاب را در اختیار داشته است. طریقی که برای رجالیان چندان شناخته‌شده و معتبر نیست، ولی به نظر می‌رسد شیخ صدوق به آن اعتماد کرده است؛ زیرا همان طور که گذشت، این سند در آثار صدوق پرتکرار است و شیخ صدوق درباره تمیم، تعبیر «رضی الله عنه» را به کار برده است.

۴-۴. پرسش‌های علی بن محمد بن جهم درباره عصمت انبیا

مباحث این مناظره شباهت بسیاری به مناظره پیشین دارد با این تفاوت که در این روایت، علی بن محمد بن جهم بشخصه در حضور مأمون با امام رضا (ع) مناظره می‌کند. (صدوق، ۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۴)

۱-۴-۴. سند روایت

حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنه والحسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المكتب وعلی بن عبدالله الوراق رضی الله عنهم قالوا: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم قال: حدثنا القاسم بن محمد البرمکی قال: حدثنا أبو الصلت الهروی قال: لما جمع المأمون لعلی بن موسی الرضا علیه السلام أهل المقالات من أهل الاسلام والديانات من اليهود والنصارى والمجوس والصابئين وسائر المقالات فلم یقم أحد الا وقد ألزمه حجته كأنه ألثم حجرا قام إليه علی بن محمد بن الجهم فقال له: یا بن رسول الله أتقول بعصمة الانبياء؟ ...

این روایت در *مالی صدوق* با همین سند و متن ذکر شده با این تفاوت که شیخ صدوق به ذکر نام یکی از مشایخش بسنده کرده است. (همو، ۴۱۷ق، ص ۱۵۰-۱۵۳) این روایت در *توحید صدوق آمده* و شیخ آن را به کتاب *عیون خبار الرضا (ع)* ارجاع داده است. (همو، بی‌تا [الف]، ص ۷۴، ۷۵، ۱۲۲-۱۲۳ و ۱۳۲)

۲-۴-۴. بررسی سند روایت

- احمد بن زیاد و حسین بن ابراهیم و علی بن عبدالله، هر سه از مشایخ صدوق

هستند که درباره آن‌ها عبارت «رضی الله عنهم» را به کار برده است.

- علی بن ابراهیم بن هاشم، فردی مورد اعتماد و صحیح الحدیث است که کتاب‌های متعددی از جمله کتاب تفسیر، کتاب الانبیاء، کتاب التوحید و الشرك و... دارد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۰)

- قاسم بن محمد برمکی ناشناخته است و رجالیان نامی از او به میان نیاورده‌اند. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۵۵) نام او فقط در همین روایت ذکر شده است.

- اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی، فردی مورد اعتماد و صحیح الحدیث است. کتاب وفاة الرضا علیه السلام از آن اوست. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۵) شیخ صدوق باب خاصی را به روایات اباصلت درباره وفات امام رضا علیه السلام اختصاص داده که احتمالاً از همین کتاب گرفته شده است. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۱؛ همچنین نک: همان، ج ۱، ص ۲۴۸) او همچنین در کتاب امالی خود، برخی از این روایات را نقل می‌کند. (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۰)

شیخ صدوق اخبار مربوط به شهادت امام رضا علیه السلام را از اباصلت با اسناد زیر نقل می‌کند:

- محمد بن علی بن ماجیلویه از علی بن ابراهیم از پدرش از اباصلت. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸)

- محمد بن موسی بن متوکل از علی بن ابراهیم از پدرش از اباصلت. (همان، ج ۱، ص ۲۸۷؛ همو، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۰)

- محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی المتوکل و احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی و احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم و الحسین بن ابراهیم بن تاتانه و الحسین بن ابراهیم احمد بن هشام المؤدب و علی بن عبدالله الوراق رضی الله عنهم، همگی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از اباصلت. (باب ما حدث به أبو الصلت الهروی عن ذکر وفاة الرضا علیه السلام أنه سم فی عنب؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۱)

- تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی از پدرش از احمد بن علی انصاری از اباصلت درباره علت قتل امام سؤال کرد و اباصلت تحلیل خود را از علت قتل امام بیان کرد. (همان، ج ۱، ص ۲۶۵)

به جز روایت آخر که تحلیل اباضیت از علت شهادت امام علیه السلام است و شامل روایت نمی‌شود، شیخ صدوق بقیه اخبار شهادت را با یک واسطه از علی بن ابراهیم و او هم از پدرش از اباضیت نقل می‌کند. بنابراین اگر فرض کنیم کتاب *وفاة الرضا علیه السلام* تا زمان شیخ صدوق وجود داشته است، شیخ صدوق باید آن را با واسطه یکی از اساتیدش از علی بن ابراهیم از پدرش از اباضیت نقل کند.

- علی بن محمد بن جهم یا علی بن جهم؟

در متن *امالی*، در میانه بحث و در آخر بحث به جای نام علی بن محمد بن جهم نام علی بن جهم آمده است. (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۲ و ۱۵۳) طبرسی هم نام راوی را علی بن جهم نوشته است. (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۱۵ و ۲۲۳). این نکته می‌تواند به سبب اختصار در نام فرد باشد؛ هر چند احتمالات دیگر را نیز باید در نظر گرفت.

علی بن محمد بن جهم در منابع رجالی شیعه و اهل سنت ناشناخته است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۴۲) شیخ صدوق پس از نقل روایت مناظره مأمون با امام رضا علیه السلام درباره عصمت، که در پایان مناظره مأمون به علم خاص اهل بیت علیهم السلام اعتراف می‌کند، می‌نویسد: «هذا الحديث غريب من طريق علي بن محمد بن الجهم مع نصبه وبغضه وعداوته لأهل البيت عليهم السلام» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۲) با توجه به این عبارت شیخ صدوق، آیت‌الله خوئی احتمال داده که این شخص علی بن جهم باشد. (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۴۳) و درباره علی بن جهم از *مروج الذهب* نقل کرده که علی، پدرش را لعن می‌کرد، چون نام او را علی گذاشته بود. همچنین از ابن شهر آشوب نقل کرده که ابوالعیناء (شاعر و صاحب آثاری در ادبیات عرب، دوران زندگی ۱۹۰-۲۸۳، ابن خلکان، بی تا، ج ۴، ص ۳۴۷) علت بغض علی بن جهم نسبت به علی علیه السلام را گوشزد می‌کند که تعریضی هم به ابن جهم دارد. (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م، ج ۳، ص ۱۶؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۲۳) در منابع رجال اهل سنت، علی بن جهم بن بدر (م ۲۴۹) به عنوان یکی از شعرا و یاران و خواص متوکل (خلافت: ۲۳۲-۲۴۷ق) معرفی شده است. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۶۷) علی بن جهم به عنوان یکی از اطرافیان متوکل در ماجرای زینب کذابه و ورود امام هادی علیه السلام به میان حیوانات وحشی آمده است. علی بن جهم می‌گوید به متوکل گفتم شما هم امام هستید مانند

پسرعمویتان این کار را بکنید (وارد قفس حیوانات وحشی شوید)، متوکل ناراحت شد و گفت: اگر خبر ماجرا به کسی برسد گردن همه را می‌زنم. (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۵؛ همچین نک: ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م، ج ۳، ص ۵۱۸) درباره تاریخ وفات و زندگی و شعر علی بن جهم و عداوت او در حق امام علی علیه السلام نک: ابن خلکان، بی تا، ج ۳، ص ۳۵۶؛ همچین شعری از بن جهم درباره محبت اهل بیت علیهم السلام، خطاب به متوکل نقل شده است. (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م، ج ۲، ص ۲۱۹ و ج ۳، ص ۵۱۰) ابن شهر آشوب از محمد بن جهم روایتی درباره شهادت امام علیه السلام نقل کرده است. (همان، ج ۳، ص ۴۸۱)

با توجه به آنچه گذشت، احتمال اینکه علی بن جهم که فردی شاعر مسلک و مخالف شدید اهل بیت علیهم السلام بوده است، همان فردی باشد که این روایت را نقل کرده، احتمال ضعیفی است. چون این فرد حدود پنجاه سال پس از امام رضا علیه السلام در گذشته است. دوم اینکه علی بن جهم شاعر بوده و از او به عنوان عالم یاد نشده است، در حالی که پرسش‌های مطرح شده از جانب او نشان‌دهنده جایگاه علمی اوست. نکته سوم اینکه او در روایت گذشته، فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام را نقل می‌کند که با روحیه علی بن جهم ناسازگار است. شیخ صدوق هم متوجه این ناسازگاری شده است. بر این اساس نمی‌توان گفت راوی مذکور علی بن جهم شاعر باشد.

از طرفی، شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا* علیه السلام از حسن بن علی بن فضال از علی بن جهم از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که «لایابی الکرامه الا الحمار». (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۸؛ همو، ۱۳۳۸ش، ص ۲۶۸) این شخص هم ناشناخته است و رجالیان به معرفی او نپرداخته‌اند.

بر این اساس دلیلی نداریم که راوی را به جای علی بن محمد بن جهم، علی بن جهم بدانیم. از سویی، علی بن محمد بن جهم نیز ناشناخته است و اگر بپذیریم که شیخ صدوق او را با علی بن جهم شاعر اشتباه نگرفته، اطلاعات ما درباره وی منحصر در عبارت شیخ صدوق درباره وی است که وی را از مخالفان اهل بیت علیهم السلام دانسته است. بر این اساس، یا به دلیل اختصار یا از روی سهو، شیخ صدوق در *امالی* خود در میانه بحث از علی بن جهم سخن گفته است و طبرسی راوی را علی بن جهم دانسته است.

۴-۳-۳. منبع

با توجه به آنچه گذشت، منبع احتمالی شیخ صدوق در نقل این گزارش، کتاب وفاته الرضای ابا صلت هروی یا یکی از کتاب‌های علی بن ابراهیم مانند کتاب الانبیاء او بوده است.

نویسندگان این کتاب‌ها مورد اعتماد هستند. اگر منبع کتاب علی بن ابراهیم باشد، سند کتاب هم معتبر خواهد بود اما اگر بپذیریم که علی بن ابراهیم تنها واسطه بوده و منبع اصلی کتاب وفاته الرضا بوده است، با توجه به ناشناخته بودن واسطه بین علی بن ابراهیم و اباصلت نزد رجالیان، باید به ضعف سند کتاب حکم کنیم.

۴-۳-۴. مقایسه مناظره سوم و چهارم

الف. موضوع پرسش‌های مطرح‌شده و پاسخ‌های امام در هر دو مناظره شبیه به هم است.

ب. در هر دو مناظره، علی بن محمد بن جهم حضور دارد و مناظره در حضور مأمون است. در مناظره چهارم، علی بن محمد بن جهم با امام رضا (ع) مناظره می‌کند و سؤالاتی می‌پرسد و در یکی دو جای بحث، نام او و سخنان او آمده که مؤید این نکته است؛ اما در مناظره سوم، علی بن محمد بن جهم تنها راوی ماجرای پرسش‌های مأمون از امام (ع) است و در تمام بحث، مأمون با امام بحث می‌کند.

ج. گزارشگر مناظره علی بن محمد بن جهم با امام (ع)، اباصلت هروی است؛ اما گزارشگر ماجرای مناظره مأمون با امام (ع)، خود علی بن محمد بن جهم است.

د. شیخ صدوق با سندی شبیه سند مناظره سوم، گزارش دیگری نیز نقل کرده است که در مناظره دوم به آن پرداخته شد؛ از این رو برای نتیجه بهتر بحث باید این سندها با هم مقایسه شوند.

مناظره دوم: تمیم بن عبدالله - پدرش - احمد بن علی الانصاری - علی بن محمد بن الجهم قال: سمعت المأمون يسأل الرضا علي بن موسى عليهما السلام عما يرويه الناس: من أمر الزهرة... .

مناظره سوم: تمیم بن عبدالله - پدرش - حمدان بن سلیمان - علی بن محمد بن الجهم قال حضرت مجلس المأمون و عنده الرضا علي بن موسى عليهما السلام فقال له

المؤمنون: یا بن رسول الله أليس من قولك: الانبياء معصومون؟...

مناظره چهارم: سه نفر از مشایخ صدوق (علی بن ابراهیم، قاسم بن محمد برمکی، ابا صلت) ... قام إليه علی بن محمد بن الجهم فقال له: یا بن رسول الله أتقول بعصمه الانبياء؟...

موضوع مناظره دوم نیز مرتبط با مناظره سوم و چهارم است؛ چون آنجا نیز باورهای اسرائیلی که درباره برخی آیات قرآن وجود داشته است، به امام علیه السلام عرضه شده و ایشان آن‌ها را نقد و اصلاح کرده‌اند.

به نظر می‌رسد مناظره سوم و چهارم دو گزارش مختلف از یک مجلس هستند و آنچه در مناظره دوم آمده نیز در همین مجلس اتفاق افتاده است. بر این اساس، باید گفت علی بن محمد بن جهم شاهد مناظره مأمون با امام علیه السلام بوده است که در نقل‌های بعد، به اشتباه به عنوان شخص مناظره‌کننده بیان شده است.

۵-۴. مناظره امام رضا علیه السلام با بزرگان ادیان و مذاهب مختلف

هنگامی که امام رضا علیه السلام به مرو رفت، مأمون به فضل بن سهل دستور داد بزرگان ادیان و مذاهب مختلف مانند الجاثلیق (بزرگ نصاری) و رأس الجالوت (عالم یهودی) و رؤسای صابئین و هر بذاکبر (کاهن زردشتی یا بزرگ ادیان هندی) و اصحاب زردشت (زردشت) و نسطاس الرومی (عالم و طبیب رومی) و متکلمان بزرگ را جمع کند تا با امام رضا علیه السلام مناظره کنند. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۴؛ همو، بی تا [الف]، ص ۴۱۷)

۱-۵-۴. سند روایت

حدثنا أبو محمد جعفر بن علی بن احمد الفقيه القمي ثم الايلاقي رضي الله عنه قال: أخبرنا أبو محمد الحسن بن محمد بن علی بن صدقه القمي قال: حدثنا أبو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الكجی قال: حدثني من سمع الحسن بن محمد النوفلی ثم الهاشمی يقول: لما قدم علی بن موسى الرضا عليه السلام علی المؤمن أمر الفضل بن سهل ان يجمع له أصحاب المقالات مثل

۲-۵-۴. بررسی سند روایت

- ابو محمد جعفر بن علی بن احمد الفقيه قمي إيلاقي، رضي الله عنه؛ این شخص که

استاد بی‌واسطه شیخ صدوق است، از سوی رجالیان شناخته‌شده نیست. شخص دیگری به نام ابو محمد جعفر بن علی بن احمد قمی معروف به ابن رازی وجود دارد که به گفته شیخ طوسی صاحب مصنفات و ثقه است. (خویی، ۱۳۹۱ق، ج ۵، ص ۵۱) برخی این دو را یک نفر می‌دانند. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۷۲)

- ابو محمد حسن بن محمد بن علی بن صدقه قمی؛ رجالیان از وی نامی به میان نیاورده‌اند و نام او جز در کتب شیخ صدوق نیامده است. (همان، ج ۳، ص ۴۶)

- ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الکجی؛ در منابع رجالی و روایی نامی از وی نیامده است. (همان، ج ۷، ص ۲۶۲) کجی منتسب به کجه، و کجه شهری است در مازندران که به کلار معروف است. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۴۳۸؛ همچنین نک: منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ش، ص ۴۴۹) اما به احتمال بسیار در اینجا تصحیفی رخ داده و کجی تصحیف کشی بوده است. هرچند درباره کشی، رجالی معروف شیعه، نسب انصاری به کار نرفته است؛ برای این احتمال شواهدی وجود دارد؛ از جمله اینکه:

۱. کنیه، نام، نام پدر و نام جد هر دو نفر یکسان است.
۲. تصحیف کشی به کجی با توجه به شباهت نوشتاری آن‌ها کاملاً محتمل است.
۳. نمونه‌های تصحیف کشی به کجی یا کنجی و یا برعکس آن وجود دارد. (کورانی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۱۴)
۴. نجاشی درباره نام کتاب‌های فضل بن شاذان می‌نویسد: «و ذکر الکنجی انه صنف مائه و ثمانین کتابا.» (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰۷) در این مورد هم به احتمال بسیار، کنجی تصحیف کشی بوده است. می‌دانیم که کشی یکی از منابع نجاشی برای تدوین کتاب رجالش است.

۵. کجی در این سند با یک واسطه از نوفلی کتاب را روایت کرده است. از سوی کتاب به وسیله حسن بن محمد بن جمهور عمی روایت شده است. با مراجعه به رجال کشی می‌بینیم که کشی نیز گاه با یک واسطه و گاه با دو واسطه از ابن جمهور گزارش‌هایی نقل کرده است؛ یعنی از نظر طبقه، کجی و کشی در یک طبقه هستند. علاوه بر این، وجود ابن جمهور عمی در سند کتاب و اثبات نقل کشی از ابن جمهور

عمی، نشانه‌ای دیگر از احتمال تصحیف کشی به کجی است.

شیخ صدوق سه بار از این شخص نام برده و در هر سه بار نام راوی (کجی) ثبت شده است. (صدوق، بی تا [الف]، ص ۴۴۱؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹) این می‌تواند نشانگر این باشد که این تصحیف در منبع مورد استفاده شیخ صدوق وجود داشته و شیخ صدوق در هر بار مراجعه و استفاده از این منبع، نام راوی را به اشتباه گزارش کرده است. متأخرین نیز در نقل از صدوق به همین شکل ثبت کرده‌اند. (حلی، ۱۹۵۰م، ص ۱۴۳)

- حدثنی من سمع الحسن بن محمد النوفلی؛ چنان‌که مشخص است نام راوی ذکر نشده است.

- الحسن بن محمد النوفلی ثم الهاشمی.

در منابع رجالی، سه نفر با مشخصاتی شبیه به این فرد معرفی شده‌اند:

الف. حسن بن محمد بن سهل نوفلی، ضعیف است اما کتابی پرفایده دارد که آن را جمع‌آوری کرده است. نام کتاب، ذکر مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الادیان است. احمد بن ابی رافع صیمری از حسن بن محمد بن جمهور عمی از نوفلی این کتاب را روایت کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷)

ب. ابو محمد حسن بن محمد بن فضل بن یعقوب بن سعید بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب، فردی موثق و جلیل (القدر) است. وی نسخه‌ای را از امام رضا علیه السلام روایت کرده است و از طریق پدرش از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت می‌کند. او کتاب بزرگی داشته که بنا به نقل ابن عیاش، حسن بن محمد بن جمهور عمی این کتاب را از حسن گزارش کرده است. (همان، ص ۵۱)

ج. ابو محمد حسین بن محمد بن فضل بن یعقوب بن سعد بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب، از چهره‌های مورد اعتماد هاشمیان بود. پدرش از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده است. ابوالعباس چنین نقل کرده است که عموهایش اسحاق و یعقوب و اسماعیل نیز چنین‌اند (یعنی راوی از آن دو امام هستند). کتاب مجالس الرضا مع اهل الادیان را تصنیف کرد. (همان، ص ۵۷)

در بین رجالیان، دو نظر عمده درباره این سه عنوان وجود دارد:

نظریه اول: این سه عنوان مربوط به سه نفر است؛ از جمله شواهد این مدعا عبارت‌اند از:

۱. با توجه به توضیحات نجاشی، برخی حسن و حسین را دو برادر دانسته‌اند. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۸) تصحیف سعد و سعید در نام اجداد این‌ها امری طبیعی و محتمل است.

۲. نام این افراد و نام جد آن‌ها (فضل-سهل) متفاوت است.

۳. نجاشی یکی را تضعیف و دو نفر دیگر را توثیق کرده است.

۴. نجاشی سه عنوان جداگانه برای این سه نفر در نظر گرفته که نشان می‌دهد از نظر او این‌ها، سه نفرند.

یکی از مواردی که داوری درباره این افراد را مشکل می‌کند، این است که تنها منبع اطلاعات رجالی ما، رجالی نجاشی است و نام این افراد در سایر منابع رجالی ذکر نشده است.

نظریه دوم: این سه عنوان مربوط به یک نفر است. شواهدی نیز این نظر را تقویت می‌کند؛ از جمله اینکه:

۱. اگر حسن و حسین دو برادر هستند، چرا نجاشی که ذیل نام حسین عموهایش را نیز معرفی کرده، به وجود این برادر اشاره‌ای نکرده است؟ درحالی‌که در موارد مشابه، یا اسم دو برادر را در کنار هم ذکر می‌کند، به‌خصوص اگر نام آن‌ها از نظر الفبایی در یک باب بگنجد، به‌عنوان نمونه حسن و حسین بن سعید را در کنار هم آورده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۸) و در مواردی هم که جدا از هم آورده، به نسبت آن‌ها تصریح کرده است؛ مانند عبدالله و حسین فرزندان بسطام. (همان، ص ۳۹ و ۲۱۸)

۲. کنیه هر دو نفر (ب و ج) ابو محمد است.

۳. در منابع روایی شیعه نیز این دو نام (ب و ج) بسیار کم به چشم می‌خورند. برقی از حسن بن محمد بن فضل الهاشمی از پدرش از امام صادق (ع) روایت کرده که حب ما اهل بیت در هفت مکان و مرحله سودمند است. (برقی، ۱۳۳۰ش، ج ۱، ص ۱۵۲) نجاشی نقل کرده که حسن بن محمد بن فضل هاشمی از پدرش از امام صادق (ع) نقل می‌کند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۱) محمد بن حسان روایتی از حسین بن محمد

- نوفلی با سند از امام علی علیه السلام نقل کرده که بیماری کودکان، کفاره والدین است. (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۵۲؛ صدوق، بی تا [الف]، ص ۳۹۴؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۸، ص ۱۱۵)
۴. درباره هر دو نفر (ب و ج) وجود کتابی درباره امام رضا علیه السلام بنا به نقل نجاشی ثابت شده است؛ به ویژه کتاب *مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الادیان*، ولی در منابع موجود روایی هیچ روایتی از این دو نفر از امام رضا علیه السلام یافت نشد.
۵. منبع روایات مربوط به مناظرات امام رضا علیه السلام با اهل ادیان و سلیمان مروزی حسن بن محمد بن سهل نوفلی است. و نام حسن و حسین بن محمد بن فضل بن چشم نمی خورد.
۶. درباره هر سه نفر بیان شده که کتابی درباره امام رضا علیه السلام داشته اند. نام این کتاب درباره دو نفر (الف و ج) کاملاً یکسان است.
۷. راوی کتاب هر دو نفر (الف و ب)، حسن بن محمد بن جمهور عمی است.
۸. تصحیف نام حسن به حسین و فضل به سهل در نسخه های خطی، امری کاملاً محتمل است.
۹. شیخ صدوق حسن بن محمد را با عنوان *النوفلی ثم الهاشمی* ملقب کرده است. این مطلب مؤید این نکته است که لقب نوفلی به خاطر انتساب به نوفل بن حارث بن عبدالمطلب که از هاشمیان است، به وی داده شده است. تکیه بر هاشمی بودن از سوی نجاشی درباره حسین بن محمد بن فضل نیز به چشم می خورد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۵)
۱۰. نجاشی درباره حسن بن محمد بن سهل نوفلی و کتابش می نویسد: «له کتاب حسن کثیر الفوائد، جمعه و قال: ذکر مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الادیان.» (همان، ص ۳۷) یعنی جمع آوری روایات کتاب را منتسب به نوفلی می داند؛ گویی او خود در شنیدن و نقل روایت نقشی نداشته است و فقط جمع آوری کننده روایت های موجود بوده است، در حالی که در متن روایت مذکور، نوفلی در مجلس مناظره حاضر بوده و حتی قبل از مناظره نیز همراه امام علیه السلام بوده است. این نشان می دهد که نجاشی خود این کتاب را ندیده و اطلاعات مربوط به این کتاب را از منبعی نقل کرده است؛ چون روایت موجود با این توصیف سازگار نیست.

با توجه به قراین موجود، احتمالاً هر سه عنوان مربوط به یک نفر است. منشأ اقوال مختلف نجاشی دربارهٔ این سه نفر، منابع مختلف نجاشی بوده که با استناد به آن منابع، گزارش‌های مختلفی ذکر کرده است. (در این باره نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴، ص ۴۷؛ پانوش ۵؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۳؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۸؛ انصاری، حسن، سایت بررسی‌های تاریخی (کاتبان)، جمعه ۱۴ دی ۱۳۸۶)

۳-۵-۴. منبع

بر اساس آنچه گذشت، منبع این روایت کتاب *مجالس الرضا مع اهل الادیان* اثر ابو محمد حسن (یا حسین) بن محمد نوفلی است. نویسنده مورد اعتماد است اما سند کتاب از نظر رجالیان ضعیف تلقی می‌شود.

۶-۴. مناظرهٔ امام رضا (ع) با سلیمان مروزی

مأمون از سلیمان مروزی، متکلم بزرگ خراسان، می‌خواهد با امام بحث کند اما سلیمان می‌گوید مایل به چنین کاری نیست چون ممکن است بر امام غلبه کند و او نزد بنی‌هاشم و سایر بزرگان حاضر در مجلس خوار شود. اما مأمون تأکید می‌کند که قصد او این است که حداقل در یک مسئله امام را مغلوب کند. در این حال، سلیمان حاضر به مناظره می‌شود. مأمون از امام (ع) درخواست می‌کند برای مناظره آماده شود و نزد او بیاید. امام ابتدا نوفلی و عمران صابی را نزد مأمون می‌فرستد تا خود پس از عوض کردن لباس نزد او برود. عمران صابی در این متن به‌عنوان کسی که به دست مأمون مسلمان شده و از بنی‌هاشم شده است، معرفی می‌شود و او بحث دربارهٔ بدا را با سلیمان شروع می‌کند. امام به مجلس وارد شده و بحث با سلیمان دربارهٔ بدا ادامه پیدا می‌کند سپس دربارهٔ صفات الهی از جمله اراده بحث می‌شود. در نهایت، سلیمان در همهٔ مباحث مغلوب شده و مأمون می‌گوید این داناترین هاشمیان است و مجلس تمام شده مردم پراکنده می‌شوند. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۷۰)

۱-۶-۴. بررسی سند روایت

این روایت با همان سند روایت قبلی نقل شده و از منبع یکسانی گزارش شده است.

۷-۴. مناظره با علمای اهل سنت دربارهٔ فرق بین عترت و امت

امام رضا (ع) در مجلس مأمون در مرو حاضر بود در حالی که جماعتی از علمای عراق

و خراسان نیز حاضر بودند. مأمون سؤال کرد دربارهٔ این آیه به من خبر دهید نظر شما چیست: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» علما گفتند منظور کل امت است. مأمون نظر امام را پرسید و امام علیه السلام فرمود: منظور خداوند، عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است. سپس دلایل قرآنی شان را بیان فرمودند. در ادامه، تفاوت آل و امت را نیز مشخص کرده و دوازده آیه از قرآن دربارهٔ عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان و شرح نمودند. (همان، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۱۲)

۴-۷-۱. سند روایت

حدثنا علي بن الحسين بن شاذويه المؤدب و جعفر بن محمد بن محمد بن مسرور رضی الله عنهما قالا: حدثنا محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن أبيه عن الريان بن الصلت قال: حضر الرضا عليه السلام مجلس المأمون بمرور وقد اجتمع في مجلسه جماعه من علماء أهل العراق وخراسان فقال المأمون: ...

۴-۷-۲. بررسی سند

- علی بن حسین بن شاذویه مؤدب؛ حسین بن شاذویه صفار یا صحاف مورد اعتماد و قلیل الحدیث بود. کتاب الصلاة والاعمال و کتاب اسماء امیرالمؤمنین از اوست. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۰) فرزند وی، علی بن حسین بن شاذویه از مشایخ صدوق است که در کتاب‌های شیخ صدوق از حمیری روایت می‌کند و رجالیان نامی از وی به میان نیاورده‌اند. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۴۸)

- جعفر بن محمد بن مسرور نیز از مشایخ صدوق است که رجالیان به او نپرداخته‌اند. (نمازی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۱۸)

- محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری. ابو جعفر قمی، با امام زمان مکاتبه کرده و سؤالاتی از ایشان پرسیده است. نسخهٔ مسائل به دست ابن غضائری رسیده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۴)؛ مصنفات و روایاتی دارد. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۶)

- عبدالله بن جعفر حمیری قمی، فردی مورد اعتماد و صاحب آثار متعدد از جمله قرب الاسناد است که تا روزگار ما باقی است. (همان، ص ۱۶۷-۱۶۸)

- ابو علی ریان بن صلت اشعری قمی فردی مورد اعتماد از اصحاب امام رضا علیه السلام است که کلام امام رضا علیه السلام دربارهٔ فرق بین آل و امت را در کتابی جمع کرده است.

عبدالله بن جعفر این کتاب را از ریان نقل کرده، اما در نسخه دیگری از این کتاب، نام ریان بن شیبب نوشته شده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۵) ریان بن شیبب دایی معتصم است که در قم ساکن شده و قمی‌ها از او روایت کرده‌اند. او مسائل صباح بن نصر هندی از امام رضا علیه السلام را در کتابش جمع کرده بود. این کتاب از طریق یحیی بن زکریا لؤلؤی روایت شده است. (همان، ص ۱۶۵) شیخ صدوق روایتی از طریق برقی از ریان بن شیبب دایی معتصم درباره نحوه بیعت مردم با امام رضا علیه السلام نقل کرده است. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۳۹ و ۲۶۵) وی روایتی از علی بن ابراهیم از پدرش از ریان بن شیبب درباره اعتراف هارون به فضیلت امام کاظم علیه السلام در حضور مأمون نقل کرده است. (همان، ج ۱، ص ۸۷) این روایات ارتباطی با موضوع کتاب ریان بن شیبب ندارند.

شیخ طوسی روایت کرده است که ریان بن صلت به محضر امام رضا علیه السلام وارد شد و پیراهن و چند درهم را که به نام امام مسکوک شده بود، از امام درخواست کرد. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۲۳-۸۲۴)

۳-۷-۴. منبع

شیخ صدوق در این روایت به احتمال بسیار از کتاب *الفرق بین الامة و الال* اثر ابوعلی ریان بن صلت اشعری قمی استفاده کرده است. منبع معتبر و از طریق قابل اعتمادی به دست شیخ صدوق رسیده است.

۸-۴. مناظره امام با ابوقره درباره حقانیت حضرت عیسی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
ابوقره، مصاحب جاثلیق از صفوان بن یحیی خواست او را به محضر امام رضا علیه السلام ببرد، امام با ورود ایشان موافقت کرده و ابوقره به حضور امام رسید و بحث درباره حقانیت حضرت عیسی علیه السلام و ادعای مسیحیان و بطلان ادعای مسلمانان را با طرح یک پرسش شروع کرد. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۴)

۱-۸-۴. سند روایت

حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی والحسين بن ابراهيم بن احمد بن هاشم المكتب و علي بن عبدالله الوراق رضی الله عنهم قالوا: حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم عن أبيه عن صفوان بن يحيى صاحب السابري قال: سألتني أبو قرة صاحب الجاثليق أن

أوصله إلى الرضا عليه السلام فاستأذنته في ذلك عليه السلام: ...

۲-۸-۴. بررسی سند

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی و حسین بن ابراهیم بن احمد بن هاشم مکتب و علی بن عبدالله وراق، رضی الله عنهم از اساتید شیخ صدوق هستند.

- علی بن ابراهیم، پیش از این معرفی شد.

- ابراهیم بن هاشم کوفی اولین کسی است که احادیث کوفیان را در قم منتشر کرده است؛ از جمله کتاب‌های او می‌توان به *النوادر و قضایا امیر المؤمنین* اشاره کرد. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵)

- صفوان بن یحیی فردی مورد اعتماد و از وکلای امام کاظم و امام رضا علیهما السلام است که سی کتاب عمدتاً فقهی داشته است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۸)

۳-۸-۴. منبع

علی بن ابراهیم از طریق پدرش ابراهیم بن هاشم بسیاری از کتاب‌های کوفیان را روایت می‌کند. با توجه به سند مذکور، احتمالاً این روایت از یکی از کتاب‌های صفوان نقل شده است؛ به‌ویژه اینکه صفوان راوی اول روایت، در نقل آن نقش مؤثری داشته و جزئیات رفتار و گفتار امام علیه السلام را ثبت کرده است. منبع معتبر است و از طریق معتبری به دست شیخ صدوق رسیده است.

۹-۴. مناظره امام علیه السلام با یحیی بن ضحاک سمرقندی درباره امامت و خلافت در

حضور مأمون

مأمون عده‌ای از فقها و متکلمان را جمع کرده بود تا با امام مناظره کرده و او را مغلوب کنند و به آن‌ها گفته بود درباره امامت بحث کنند. امام علیه السلام از آن‌ها خواست یک نفر را به عنوان نماینده مشخص کنند و آن‌ها یحیی بن ضحاک سمرقندی را که نظیری در خراسان نداشت، انتخاب کردند. او با امام علیه السلام درباره خلافت و امامت بحث کرد و خیلی زود مغلوب شد. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۷)

۱-۹-۴. سند روایت

حدثنا الحاكم أبو علي الحسين بن احمد البيهقي قال: حدثني محمد بن يحيى الصولي قال: يحكي عن الرضا عليه السلام خير مختلف الالفاظ ...

۲-۹-۴. بررسی سند

ابو علی، حسین بن احمد بیهقی، از مشایخ شیخ صدوق است. رجالیان متقدم نام او را در کتاب‌هایشان ذکر نکرده‌اند. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۸۴) شیخ صدوق در سال ۳۵۲ در نیشابور حسین بن احمد بیهقی را ملاقات کرده و اخباری از کتاب‌های صولی را از وی دریافت کرده است. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴-۲۶، ۱۲۹؛ ج ۲، ص ۹۳-۹۴، ۱۳۵-۱۳۸، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۵۵-۱۶۰، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۹۰، ۱۹۱-۱۹۷، ۲۴۳-۲۴۵، ۲۵۵-۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱-۲۶۲، ۲۶۶-۲۶۸، ۲۷۴ و ۲۸۱-۲۸۴)

ابوبکر محمد بن یحیی بن عبدالله بن عباس، صولی محدث، مورخ، شاعر و ادیب بزرگ سنی و صاحب کتاب‌های بسیار از جمله *الاوراق* درباره اخبار خلفا و شعراء، کتاب *الوزراء* و... است. او ندیم تعدادی از خلفای عباسی بوده و علاوه بر برخی کتب حدیثی، اخبار و اشعار خلفا، وزراء، شعرا و بزرگان را جمع و تألیف کرده و کتابخانه بزرگی داشته است. او در سال ۳۳۵ یا ۳۳۶ در بصره از دنیا رفت. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۹۸-۲۰۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۳۰۱-۳۰۲) ابن ندیم علت زندگی و مرگ مخفیانه او را در بصره مربوط به مطلبی می‌داند که درباره علی علیه السلام نقل کرده بود و از این رو عده‌ای تصمیم به قتل او گرفتند. (ابن ندیم، بی تا، ۱۶۷-۱۶۸)

شیخ صدوق روایات و اخباری را از او درباره مادر امام رضا علیه السلام و همچنین تاریخ و وقایع مربوط به امام کاظم علیه السلام، تاریخ امام رضا و شهادت ایشان و موارد دیگر نقل می‌کند. شیخ تعدادی از این روایات را در سال ۳۵۲ از حسین بن احمد بیهقی در نیشابور شنیده که او هم این روایات را از صولی دریافت کرده است. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴-۲۶، ۱۲۹؛ ج ۲، ص ۹۳-۹۴، ۱۳۵-۱۳۸، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۵۵-۱۶۰، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۹۰، ۱۹۱-۱۹۷، ۲۴۳-۲۴۵، ۲۵۵-۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱-۲۶۲، ۲۶۶-۲۶۸، ۲۷۴ و ۲۸۱-۲۸۴) برخی از این روایات را هم از طریق محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی (همان، ج ۱، ص ۷۰-۷۳ و ۸۲-۸۴) احمد بن یحیی المکتب (همان، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۶) و محمد بن صقر الغسانی (همان، ج ۲، ص ۱۵۵) روایت کرده است.

از جمله روایات نقل شده از کتاب صولی می‌توان به روایات مربوط به مناظره امام با فقهای اهل سنت درباره تفسیر آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» اشاره کرد. ابوذکوان

قاسم بن اسماعیل در سال ۲۸۵ در سیراف این مطلب را که از ابراهیم بن عباس صولی در سال ۲۲۷ در اهواز شنیده بود، نقل کرد که ابراهیم خود در این مجلس حاضر بوده است. (همان، ج ۲، ص ۱۳۶)

محمد بن یحیی صولی می نویسد: «خبری از (امام) رضا علیه السلام گزارش شده است که الفاظش متفاوت نقل شده، روایت این خبر با سند (محکمی) به من نرسیده که به آن عمل کنم (و بر اساس آن سند الفاظ را گزارش کنم) و الفاظ افرادی که آن را گزارش کرده اند، با هم متفاوت است. جز اینکه من این خبر را و معنای آن را نقل می کنم هر چند با الفاظ مختلف نقل شده است.^۲ حاصل آنکه این خبر از طرق متعدد به صولی رسیده است؛ به گونه ای که اطمینان نسبی درباره صحت اصل خبر حاصل شده است. دیگر آنکه این خبر با مضمون یکسان ولی با عبارات و کلمات مختلف نقل شده است و صولی نیز یک سند محکمی نداشته است که با توجه به آن سند محکم، الفاظ و عبارات را بعینه نقل کند. بنابراین تصمیم گرفته گزارش را نقل به معنا کند. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۷) نقل این موارد از سوی صولی نشان می دهد که او در امر حدیث متساهل نبوده و با ضوابط نقل حدیث آشنا بوده و خود را ملزم دیده اشاره کند که حدیث را نقل به معنا می کند.

۳-۹-۴. منبع

بر اساس آنچه گذشت، کتاب های صولی را باید از مهم ترین منابع شیخ صدوق به شمار آورد. نویسنده از اهل سنت است و نزد رجالیان شیعه معتبر تلقی نمی شود ولی با توجه به اینکه روایتی که نقل کرده برخلاف مذهبش بوده، احتمال جعل خبر از ناحیه او وجود ندارد. از سویی او بیان می کند که این روایت از طرق متعدد شنیده را نقل به معنا می کند و شیخ صدوق هم فقط با یک واسطه از او نقل کرده است. این موارد باعث ایجاد اطمینان نسبی به صحت مضمون خبر می شود.

۱۰-۴. بحث و مناظره امام علیه السلام با برادرش زید بن موسی معروف به زید النار

شیخ صدوق چند گزارش از بحث امام با زید النار با کمی اختلاف نقل کرده است. زید به نسبت افتخار می کرد و ظاهراً به همین دلیل تصور می کرد اهل بهشت است. امام این پندار او را با استدلال باطل دانسته و ملاک رضایت خدا و ورود به بهشت را

اطاعت از او برشمرده است. درباره افتخار به نسب هم به ماجرای پسر نوح (ع) اشاره می‌کنند که خداوند درباره او فرمود: «انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح» با اینکه او واقعاً پسر نوح بود، خداوند او را به سبب اعمالش جزء اهل بیت نوح نمی‌داند. ما هم به همین شکل، هرکس از خدا اطاعت کند، از ما اهل بیت (ع) است.

زید برادر امام (ع) بود که در جریان شورش علیه بنی عباس در سال ۱۹۹ در بصره، تعدادی از خانه‌های بنی عباس را آتش زد و به همین دلیل به زید النار مشهور شد. مأمون پس از آنکه او اسیر شد، عنوان کرد به خاطر امام از گناهان او گذشته و او را به امام بخشید. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۸)

۴-۱-۱. سند این گزارش‌ها

سند روایت اول

حدثنا علی بن احمد بن محمد بن عمران اللدقاق رضی الله عنه قال: حدثنا محمد بن ابي عبدالله الكوفي قال: حدثنا أبو الخیر صالح بن ابي حماد عن الحسن بن الجهم قال: كنت عند الرضا عليه السلام وعنده زید بن موسی أخوه وهو يقول: ... قال الحسن بن الجهم: ثم التفت عليه السلام إلى فقال لی: یا بن الجهم ...

بررسی سند

- علی بن احمد، استاد شیخ صدوق است.

- محمد بن ابی عبدالله همان محمد بن جعفر اسدی کوفی است که ساکن ری شده است؛ وی فردی صحیح الحدیث و مورد اعتماد بود، ولی از ضعف روایت می‌کرد و کتاب‌هایی تألیف کرده است. او در سال ۳۱۲ از دنیا رفت. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۳)

- ابوالخیر صالح بن ابی حماد رازی، امام عسکری (ع) را ملاقات کرده و کتاب‌هایی از جمله *النوادر* و *خطب امیرالمؤمنین* دارد. نجاشی درباره او نوشته: امر او بر من پوشیده است، (روایاتش) گاهی شناخته شده و گاهی ناشناخته است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۸) کشی گاه او را با کنیه‌های ابوالحسن، ابوالحسین و ابوالخیر یاد کرده و از فضل بن شاذان روایت شده که (روایت کردن از) او را می‌پسندیده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶۱، ۶۶۵ و ۸۳۷)

- حسن بن جهم: وی در این روایت نقش مؤثر دارد و در جایی از بحث مورد خطاب امام واقع می‌شود. شرح حال او پیش از این گذشت.

سند روایت دوم

حدثنا محمد بن احمد السنانی قال: حدثنا محمد بن أبي عبدالله الكوفي قال: حدثنا أبو الفيض صالح بن أحمد قال: حدثنا سهل بن زياد قال: حدثنا صالح بن أبي حماد قال: حدثنا الحسن بن موسى بن علي الوشاء البغدادي قال: كنت بخراسان مع علي بن موسى الرضا عليه السلام في مجلسه وزيد بن موسى حاضر...

این سند کمی آشفته است. شخصی با مشخصات ابوالفیض صالح بن احمد در منابع رجالی شناخته شده نیست و به احتمال بسیار این شخص همان ابوالخیر (ابوالحسن یا ابوالحسین) صالح بن ابی حماد است که نامش تصحیف شده است. به احتمال بسیار در اینجا دو سند وجود داشته است که با شیوه حیلوله، خلاصه شده بوده و در نقل‌های بعدی به اشتباه با هم مخلوط شده‌اند؛ به خصوص اینکه سند روایت اول که چند سطر پیش بررسی شد، هم به این شکل است.

سند روایت اول: علی بن احمد، محمد بن ابی عبدالله، ابو الخیر صالح بن ابی حماد، الحسن بن الجهم

سند روایت دوم: الف. محمد بن احمد، محمد بن ابی عبدالله، ابوالفیض صالح بن احمد، و شاء؛ ب. سهل بن زیاد، ابو الخیر صالح بن ابی حماد، و شاء - محمد بن احمد سنانی همان محمد بن احمد بن محمد بن سنان زاهری است که از مشایخ صدوق است. صدوق در موارد متعددی از او نقل کرده و تعبیر «رضی الله عنه» را درباره او به کار برده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۴ و ۵۶)

- محمد بن ابی عبدالله پیش از این معرفی شد.

سهل بن زیاد آدمی رازی از افرادی است که نجاشی و طوسی او را ضعیف دانسته‌اند و عده‌ای مانند وحید بهبهانی، قرآینی برای توثیق او نقل کرده‌اند اما آیت الله خویی آن‌ها را ناکافی دانسته و او را تضعیف کرده است. (همان، ج ۹، ص ۳۵۶)

- الحسن بن موسی بن علی الوشاء البغدادی

نام حسن بن موسی بن علی در منابع رجالی و روایی شیعه جز در همین روایت

نیامده و با توجه به لقب و نسبت او (و شاء و بغدادی) احتمالاً تصحیفی در نام او به وجود آمده است. حسن بن علی بن زیاد و شاء از اصحاب امام رضا (ع) است و کتاب *مسائل الرضا (ع)* از جمله آثار اوست. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰)

سند روایت سوم

حدثنا محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی المتوکل و احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنهم قالوا: حدثنا علی بن ابراهیم هاشم قال: حدثنی یاسر أنه خرج زید بن موسی أخو أبی الحسن علیه السلام بالمدينة وأحرق وقتل وکان یسمى زید النار فبعث إليه المأمون فأسر وحمل إلى المأمون فقال المأمون: اذهبوا به إلى أبی الحسن، قال یاسر: فلما أدخل إليه قال له أبو الحسن علیه السلام: یا زید أغرک قول سفلة أهل الكوفة...

سه نفر از اساتید شیخ صدوق از علی بن ابراهیم بن هاشم از یاسر خادم این روایت را نقل کرده‌اند.

علی بن ابراهیم بن هاشم که در سال ۳۰۷ زنده بوده، بیش از صد سال پس از امام رضا (ع) از دنیا رفته و طبیعتاً بعید است که از یاسر خادم مستقیماً این مطالب را شنیده باشد.

با توجه به اینکه در سند روایت بین علی بن ابراهیم و یاسر خادم، نام کسی وجود ندارد، باید بپذیریم که شیخ صدوق این روایت را از یکی از کتاب‌های علی بن ابراهیم نقل کرده و او در کتابش به صورت مرسل، روایت را از یاسر خادم گزارش کرده است.

۴-۱۰-۲. منبع

با توجه به سه روایت بالا می‌توان نتیجه گرفت که با سه گزارش از یک ماجرا روبه‌رو هستیم. اما متن این سه گزارش با یک مضمون و به سه شکل نقل شده است. این مطلب از نقل به معنای ماجرا حکایت دارد؛ به عبارت دیگر، نویسنده کتاب جریان این گفت‌وگو را از چند طریق شنیده و در کتابش ذکر کرده است که در بین آنها اختلافاتی وجود دارد.

در روایت اول و دوم، وجه اشتراک صالح بن ابی حماد است و به نظر می‌رسد کتاب او منبع احتمالی روایت بوده است. سند روایت اول معتبر است. روایت دوم با

دو سند نقل شده که به سند اول می‌توان اعتماد کرد.

روایت سوم هم احتمالاً از یکی از کتاب‌های علی بن ابراهیم نقل شده است. شیخ صدوق با واسطه چندین نفر از مشایخش از علی بن ابراهیم نقل کرده و سند او به کتاب‌های علی بن ابراهیم معتبر است.

وضعیت سند و منبع مناظرات امام رضا علیه السلام

موضوع و محتوای مناظره	سند	منبع	اعتبار نویسنده و سند
مناظره با متکلمین فرقه‌های مختلف درباره امامت	تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی، أبی، احمد بن علی الانصاری، الحسن بن الجهم	کتاب احمد بن علی انصاری	سند کتاب ضعیف: نویسنده: ناشناخته اما نزد شیخ صدوق معتبر
مناظره با مأمون و نقد روایات ستاره زهره و سهیل	تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی، أبی، احمد بن علی الانصاری، علی بن محمد بن الجهم	پیشین	پیشین
پرسش‌های مأمون درباره عصمت انبیا	تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی، أبی، حمدان بن سلیمان، عن علی بن محمد بن الجهم	کتاب حمدان بن سلیمان	سند کتاب ضعیف (نزد شیخ معتبر) و نویسنده موثق
پرسش‌های علی بن محمد بن جهم درباره عصمت انبیا	احمد بن زیاد بن جعفر و حسین بن ابراهیم و علی بن عبدالله الوراق، علی بن ابراهیم، القاسم بن محمد البرمکی، ابوالصلت الهروی قال: ...	وفاء الرضا اباصلت یا کتابی از علی بن ابراهیم	نویسنده: مورد اعتماد طریق کتاب وفاء الرضا: ضعیف اما طریق کتاب علی بن ابراهیم: معتبر
مناظره امام رضا <small>علیه السلام</small> با بزرگان ادیان و مذاهب مختلف	جعفر بن علی القمی، حسن بن محمد بن علی القمی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الکجی، من سمع الحسن بن محمد النوفلی	مجالس الرضا مع اهل الادیان اثر نوفلی	سند: ضعیف نویسنده: معتبر
مناظره امام رضا <small>علیه السلام</small> با سلیمان مروزی	سند پیشین	منبع پیشین	سند: ضعیف نویسنده: معتبر
مناظره با علمای اهل سنت درباره فرق عترت و امت	علی بن الحسین بن شاذویه و جعفر بن محمد بن مسرور، محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، أیه، الریان بن الصلت	الفرق بین الامة و الال اثر ریان بن صلت	سند معتبر و نویسنده مورد اعتماد
مناظره با ابوقره درباره حضرت عسی <small>علیه السلام</small> و پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	احمد بن زیاد و حسین بن ابراهیم و علی بن عبدالله، علی بن ابراهیم بن هاشم، أیه، صفوان بن یحیی	کتاب‌های صفوان	سند معتبر و نویسنده معتبر

<p>سند کتاب: ضعیف نویسنده: نامعتبر (مورخ سنی)</p>	<p>کتاب‌های صولی</p>	<p>الحاکم أبو علی الحسین بن احمد البیهقی، محمد بن یحیی الصولی قال:</p>	<p>مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی درباره امامت و خلافت</p>
<p>نویسندگان: مورد اعتماد حداقل یک سند معتبر برای هر کتاب</p>	<p>روایت ۱ و ۲ از کتاب صالح بن ابی حماد روایت ۳ از کتاب‌های علی بن ابراهیم</p>	<p>۱. علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق رضی الله عنه، محمد بن ابی عبدالله الکوفی، ابو الخیر صالح بن ابی حماد، الحسن بن الجهم ... ۲. محمد بن احمد السنانی، محمد بن ابی عبدالله الکوفی، ابوالفیض صالح بن احمد، سهل بن زیاده، صالح بن ابی حماد، الحسن بن موسی بن علی الوشاء البغدادی... ۳. محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی المتوکل و احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنهم، علی بن ابراهیم بن هاشم، یاسر</p>	<p>بحث و مناظره امام با برادرش زید بن موسی معروف به زید النار</p>

۵. نتیجه‌گیری

شیخ صدوق مناظرات امام رضا (ع) را از منابع گوناگونی که پیش از او وجود داشته نقل کرده است. برخی از این منابع کتاب‌هایی دربارهٔ مجالس مناظره امام (ع) بوده است؛ مانند کتاب *مجالس الرضا مع اهل الادیان* اثر حسن (حسین) بن محمد نوفلی هاشمی و کتاب *الفرق بین الامه و الال* اثر ریان بن صلت قمی.

شیخ صدوق بخش مهمی از روایات مربوط به شهادت امام رضا (ع) را از کتاب *وفاة الرضا* اثر اباصلت هروی نقل کرده است. به نظر می‌رسد این کتاب در بردارندهٔ برخی اخبار دیگر دربارهٔ امام رضا (ع) از جمله برخی مناظرات ایشان بوده که مورد استفادهٔ شیخ صدوق قرار گرفته است.

محمد بن یحیی صولی (۳۳۵ یا ۳۳۶)، شاعر و مورخ سنی مسلک قرن چهارم هجری است که شیخ صدوق برخی از اخبار و رویدادهای مربوط به امام رضا (ع) از جمله برخی مناظرات ایشان را از کتاب‌ها و آثار وی گزارش کرده است.

شیخ صدوق علاوه بر نقل روایات متعدد از احمد بن علی انصاری برخی از

مناظرات امام علیه السلام را نیز از کتاب یا کتاب‌های او گزارش کرده است.

حمدان بن سلیمان نیشابوری، صفوان بن یحیی بیاع سابری، صالح بن ابی حماد رازی و علی بن ابراهیم قمی از چهره‌های مورد اعتماد حدیث شیعه هستند که شیخ صدوق در نقل مناظرات رضوی به کتاب‌های آن‌ها اعتماد کرده است.

ناشناخته بودن اساتید (بی‌واسطه و باواسطه) شیخ صدوق که بسیاری از آن‌ها در شرق جهان اسلام می‌زیسته‌اند، برای رجالیان شیعه که عمدتاً در غرب جهان اسلام می‌زیسته‌اند باعث شده تا سند بسیاری از روایات شیخ صدوق بر اساس معیارهای متأخران ضعیف تلقی شود.

سند بیشتر مناظرات امام رضا علیه السلام که در آثار شیخ صدوق منعکس شده است، با شیوه اعتبارسنجی متأخران ضعیف شمرده می‌شود، اما بیشتر این روایات (به‌جز شماره ۱ و ۲ و ۹) از منابعی نقل شده که نویسندگان آن‌ها مورد اعتماد بوده‌اند.

برخی مناظرات و مجالس امام رضا علیه السلام از دو یا چند طریق نقل شده است که به علت نقل به معنا توسط راویان و شاهدان ماجرا پیش از مکتوب شدن آن در کتاب‌ها، اختلافاتی در بین این گزارش‌ها مشاهده می‌شود؛ هرچند مضمون و محتوای آن‌ها یکسان است. در این شرایط، شیخ صدوق گاهی آن مجلس یا روایت را از دو یا سه طریق نقل می‌کند؛ مانند مناظره امام درباره عصمت انبیا که از دو طریق و به دو شکل روایت شده و یا مناظره و بحث ایشان با زید النار که سه روایت متفاوت از آن را در کتاب شاهدیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این باب دو روایت وجود دارد که فقط در یک روایت نام اباصلت در سند به چشم می‌خورد و روایت دوم که درباره تاریخ شهادت امام علیه السلام است با این سند نقل شده: «حدثنا الحاكم ابو علی الحسين بن احمد البيهقي قال: حدثني محمد بن يحيى الصولي قال: حدثنا ابو ذكوان قال: سمعت ابراهيم بن العباس يقول: كانت البيعة للرضا عليه السلام لخمس خلون من شهر رمضان سنة إحدى ومائتين وزوجه ابنته أم حبيب في أول سنة اثنتين ومائتين وتوفي سنة ثلاث ومائتين بطوس والمأمون متوجه إلى العراق في رجب ولي غيره: أن الرضا عليه السلام توفي وله تسع وأربعون سنة وستة أشهر والصحيح أنه عليه السلام توفي في شهر رمضان لتسع بقين منه يوم الجمعة سنة ثلاث ومائتين من هجرة النبي صلى الله عليه وآله وسلم» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۴)

۲. «یحکی عن الرضا عليه السلام خبر مختلف الألفاظ لم تقع لى روايته باسناد اععمل عليه وقد اختلفت ألفاظ من رواه إلا أنى سأتى به وبمعانيه وأن اختلفت ألفاظه».

منابع

۱. ابن المبرد، يوسف بن حسن، بحر الدم فى من تكلم فيه احمد من مدح او ذم، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۹۹۲م.
۲. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، لسان الميزان، ج ۲، بيروت: مؤسسة الاعلمى، ۱۳۹۱ق.
۳. ابن حمزه طوسى، الثاقب فى المناقب، تحقيق نبيل رضا علوان، قم: انتشارات انصاريان، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن حنبل، احمد، بى تا، المسند، بيروت: دار صادر، بى تا.
۵. ابن خلکان، ابوالعباس، احمد بن محمد برمكى اربلى، وفيات الاعيان و انباء انباء الزمان، تحقيق احسان عباس، بيروت: دار الثقافة، بى تا.
۶. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، مناقب آل ابيطالب (عليه السلام)، نجف: كتابخانه حيدريه، بى تا.
۷. ابن عساکر دمشقى، على بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، بيروت: دار الفكر، ۱۹۹۵م.
۸. ابن غضائرى، احمد بن حسين، رجال ابن غضائرى، تحقيق سيد محمدرضا جلالى، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۹. ابن نديم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقيق رضا تجدد، قم: بى تا، بى تا.
۱۰. انصارى، حسن، تحقيقى درباره كتاب ذكر مجالس الرضا مع اهل الاديان از نوفلى، سايت بررسى‌هاى تاريخى (کاتبان)، ansari.kateban.com/post/1268 نوشته مربوط به جمعه ۱۴ دى ۱۳۸۶.
۱۱. انصارى، حسن، سايت بررسى‌هاى تاريخى (کاتبان)، بررسى متن مناظره شيخ صدوق در مجلس ركن الدوله بويهى، <http://ansari.kateban.com> نوشته شده در ۷ مرداد ۱۳۸۷ش.
۱۲. برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقيق سيد جلال‌الدين محدث ارموى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۳۰ش.
۱۳. بيهقى، احمد بن الحسين، السنن الكبرى، دار الفكر، بيروت: بى تا.
۱۴. تفرشى، سيد مصطفى، نقد الرجال، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸.
۱۵. حلى، حسن بن سليمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف: منشورات مطبعة حيدريه، ۱۹۵۰م.
۱۶. خطيب بغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۷ق.
۱۷. خويى، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۵، بى جا: مركز نشر الثقافة الاسلاميه فى العالم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق حسين الاسد، ج ۷، بيروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ق.

۸۰ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱۹. —، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۶۳م.
۲۰. شیخ بهایی، محمد بن حسین عاملی، مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، تحقیق سید مهدی رجایی، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمة، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش [الف].
۲۲. —، النخصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ۱۳۶۲ش [ب].
۲۳. —، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح حسین اعلمی، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۲۴. —، معانی الاخبار، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۳۳۸ش.
۲۵. —، التوحید، تصحیح سید هاشم حسینی تهرانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
۲۶. —، امالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی بن ابیطالب، الاحتجاج، تعلیق و ملاحظات سید محمدباقر خراسان، نجف: دار النعمان، ۱۳۸۶ق-۱۹۶۶م.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تصحیح و تعلیق میر داماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۲۹. —، الرجال، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۳۰. —، الفهرست، تحقیق جواد قیومی، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۳۱. —، تهذیب الاحکام، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان، چ ۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۳۲. علامه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۳-۱۹۸۳م.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۳۴. کورانی، علی، معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳۵. منتجب‌الدین، علی بن بابویه رازی، فهرست منتجب‌الدین، تحقیق سید جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ش.
۳۶. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، چ ۵، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۷. نمازی شاهرودی، علی بن محمد، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران: شفق، ۱۴۱۲ق.
۳۸. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق-۱۹۷۹م.